



منطق دانشی است برای بخراند اندیشیدن، سخن گفتن، و نوشتن؛ و ابزاری است روشمند برای کشف لغزشهای فکرائی. از این رو آن را مقدمه تمامی معارف به شمار آورده اند.

به اتفاق این ارسطو بود که برای نخستین بار منطق را به عنوان یک دستگاه معرفتی در قالب نوشتاری که بعد ها در گائون / (غنون) (Organon) نام گرفت، معرفی کرد. این دانش که در آغاز لوگیکا یا لوگیکه (مشتق از Logos) نامیده می شد، هنگام برگردان به عربی، منطق نام گرفت.

یکی از نقاط ضعف اندیشمندان مسلمان که در تمامی شاخه های معارف بشری مشهود است، عدم برخورداری از یک نگاه تاریخی، معرفتی پسینی، و رویکردی بیرونی به دانش هاست. دانشمندان مسلمان معمولاً خود شناسگران آزموده ای هستند که در اقیانوس بی کرانه معارف به شنا می پردازند. اما کم اند اندیشمندانی که خود را از این جریان موج در موج بیرون کشند و از بلندا به آن بنگرند تا تأثیر و تأثرها و کاستی ها و قوت ها را دریابند.

منطق یکی از معارفی است که منطق دانان مسلمان در روند تکاملی آن بسیار مؤثر بوده اند، اما به دلیل عدم برخورداری از رویکرد بیرونی و تاریخی چنین انگاشته اند که منطق از بدو تولد تا دوران معاصر دچار تحول چندانی نشده است. در حالی که با ملاحظه و بررسی تاریخ منطق از ابتدا تا دوران معاصر مشاهده می کنیم که منطق دوره های متعددی را پشت سر گذاشته که از جمله آنهاست:

۱. دوره پیشا ارسطویی: در این دوران، منطق به صورت مباحث پراکنده در آثار دانشمندان ایرانی به چشم می خورد.
۲. دوره ارسطویی: یعنی دوران زایش منطق و تدوین آن به عنوان یک دانش مستقل با موضوع و هدف خاص توسط ارسطو.
۳. دوره فرفوربیوسی: گویا فرفوربیوس صوری نخستین کسی است که بعد از ارسطو مبحثی با عنوان ایساغوجی را به منطق افزود.
۴. دوره رواقی - مگاری: دوره ای است که مبحث قضایای شرطی به منطق افزوده شد.

۵. دوره جالینوسی: دوره ای که شکل چهارم از سوی جالینوس به منطق افزوده شد.
 ۶. دوره سینوی: ابن سینا به تصریح خودش چیزی به منطق نیافزود. او در باره نقش ارسطو در منطق از زبان خود ارسطو می گوید: «پیشینیان ما، در باب قیاسها جز قوانین مجمله و ضوابط غیر مفصله چیزی برای ما به ارث نگذاشته اند. استخراج ضروب و شروط هر قیاس و شرح و تفصیل احکام آن و بیان و تمییز منتج و عقیمش امری است که بر اثر رنج فراوان و کوشش بسیار ما پیدایش یافته است. پس اگر کسی از آیندگان زیادتی در آن بیند، اصلاح کند؛ و اگر نقصانی یابد، جبران فرماید.» ابن سینا می گوید: «ای گروه دانش پژوه! بنگرید که بعد از ارسطو تا به امروز با این دوری عصر و درازی زمان، آیا کسی پیدا شده است که بر منطق تألیفی وی چیزی افزایش یا نقصان و قصوری برای آن اثبات کند؟ نه، بلکه آنچه ارسطو آورده کامل و میزان صحیح و حق صریح می باشد.» شاید بیشترین ابداع و نوآوری این سینا در زمینه تبویب و ترتیب مباحث منطقی باشد، مانند تقدیم مبحث معرف بر بخش قضایا.

۷. دوره پسا سینوی: دوره شاگردان، شارحان و پیروان ابن سینا، شخصیت هایی چون: خواجه نصیر الدین طوسی، کاتبی قزوینی، ارموی، قطب الدین رازی و ... با نوآوری هایی مانند: قیاس اقترانی شرطی و موجهاات زمانی است.
۸. دوران معاصر: دورانی که آموزش منطق با ورود نمادها تسهیل شد و منطق به ریاضیات نزدیک گردید. در این دوران منطق ارسطویی و کلاسیک جای خود را به منطق ریاضی یا منطق جدید داد. از بزرگان این دوره می توان به راسل، فرگه، ریموند اسمولین، اورت بت، یاکو هین تیکا، و گرهارت گنتزن اشاره کرد.

به جرأت می توان گفت تنها اندیشمندی که به طور جدی به تاریخ تحول منطق پرداخته، کسی نیست جز پروفیسور نیکولاس رشر فیلسوف برجسته آلمانی تبار معاصر. این اندیشمند بزرگ بیش از ۷۰ کتاب و ۲۲۰ مقاله از خود به یادگار گذاشته است. عمق و گوناگونی آموزه های او از یک سو و نقش بسیار مهمی که در بازشناسی و بازکاوی تاریخ منطق و فلسفه دارد، ما را بر آن داشت تا دانشجویان و علاقه مندان مباحث فلسفی را قدری با او که متأسفانه در میان جامعه خردورز ایرانی گمنام است، آشنا سازیم.

در این شماره به دلیل گوناگونی حوزه های معرفتی پژوهش های رشر به ناچار به ترسیم دور نمایی از اندیشه های وی در حوزه منطق بسنده کرده ایم.
 در پایان جا دارد از جناب آقای زراعت پیشه، که در تهیه، تنظیم و نظارت بر ترجمه های این شماره با ما همکاری نزدیک داشتند، تشکر و تقدیر نماییم.